

ساختارشناسی طلاق نامه‌های عصر قاجار (بررسی شکلی و محتوایی)

احمد دستوان

چکیده:


مقاله حاضر، در پی معرفی و تحلیل شکلی و محتوایی طلاق نامه‌ها به‌عنوان نوعی از اسناد شرعی با محتوای اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی است که در آن به تبیین مفهوم طلاق و شرایط ضمن عقد طلاق پرداخته شده است. نگارنده بر آن است تا طلاق نامه را تعریف و سپس عناصر شکلی و محتوایی اسناد مزبور را بررسی و در پایان ارزش سندی و محتوایی طلاق نامه‌ها را مشخص کند. روش پژوهش در نوشته حاضر، توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع سندی و کتابخانه‌ای است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد طلاق نامه‌ها به‌عنوان اسناد شرعی حاوی اطلاعات زیادی از مسائل اقتصادی و اجتماعی ایران دوران قاجاریه به‌دست می‌دهند.

کلیدواژه‌ها

اسناد تاریخی؛ سند؛ طلاق نامه؛ سندشناسی.

آرشیو ملی، سال پنجم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۱۹ و

۲۰؛ صص: ۹۴-۱۰۷



ساختارشناسی طلاق‌نامه‌های عصر قاجار (بررسی شکلی و محتوایی)

احمد دستوان^۱

مقدمه:

اسناد به‌عنوان منابع دست‌اول، موادی ارزشمند برای تحقیق و پژوهش‌های تاریخی به‌حساب می‌آیند. در این میان اسناد شرعی، آن دسته از اسناد هستند که برآمده از فقه اسلامی بوده و به‌جهت حل مسائل و تحکیم روابط میان مردم و اجتماع به‌وجود آمده‌اند. این اسناد بازتاب‌دهنده جنبه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستند که سندشناسان با استفاده از این اسناد می‌توانند این جنبه‌های مختلف را از لابه‌لای این اسناد کاوش کرده و برای شناخت هر چه بهتر گذشته از آن استفاده کنند. توجه به این اسناد همچنین از نظر تاریخی می‌تواند سلطه‌ای که تاریخ سیاسی بر تاریخ‌نگاری ما دارد را به‌تدریج کنار زند.

بر اساس تقسیم‌بندی‌های مختلف سندپژوهان، طلاق‌نامه‌ها در زمره اسناد شرعی قرار می‌گیرند. قائم‌مقامی در تقسیم‌بندی خود از اسناد تاریخی، طلاق‌نامه‌ها را جزو اسناد «حقوقی و قضایی» دانسته و عنوان «اسناد و بنچاق» را برای این‌گونه اسناد برگزیده است (قائم‌مقامی، ۱۳۴۸، ص ۶). سپس در اثر دیگر خود اسناد را به چهار دسته تقسیم می‌کند؛ اول «اسناد مالی و اسناد حقوقی و قضایی»، دوم «اخوایات»، سوم «مکاتیب درباری» و چهارم «دیوانیات». در این تقسیم‌بندی، طلاق‌نامه‌ها جزو «اسناد حقوقی و قضایی» جای می‌گیرند که در واقع این اسناد، اسنادی هستند که از جریان داد و ستد پولی خارج هستند. به این اسناد در دوران قاجاریه

۱. دانشجوی کارشناسی‌ارشد، رشته تاریخ، گرایش اسناد و مدارک آرشیوی دانشگاه تهران؛
ahmaddastavan69@gmail.com.



«اسناد صریحه» گفته می‌شد (فائز مقامی، ۱۳۵۰، ص ۴۰-۴۳). در تقسیم‌بندی رضایی (۱۳۹۰)، طلاق‌نامه‌ها در دسته اسناد شرعی و خصوصی قرار می‌گیرند (ص ۳).

تعاریف و اصطلاحات

سند:

- سند عبارت است از هر نوشته که در مقام اثبات دعوا یا دفاع قابل‌استناد باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۷۷۲).
- سند نوشته‌ای است که قابل‌استناد باشد و بتواند اطلاعاتی علمی را انتقال دهد و در تحقیق مورد‌استفاده قرار گیرد و ارزش نگهداری دائمی داشته باشد (هیئت مؤلفان، ۱۳۷۳، ص ۷۸).
- سند یعنی دلیل، مدرک، رسید، قبض. نوشته‌ای که قابل‌استفاده یا استناد باشد، چیزی که به آن اعتماد کنند (روستایی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۶).
- نوشته‌هایی است که با رعایت موازین و مقررات خاصی تهیه و تنظیم شده‌اند و برای مراجعات بعدی نگاه داشته می‌شوند (امیرشاهی، ۱۳۸۶، ص ۵).

سند شرعی: اسناد شرعی (نوشته‌های شرعی) از جمله اسنادی هستند که برآمده از مباحث فقهی (معاهدات، احکام و عبادات) هستند و توسط شخص ذی‌صلاح مطابق با رسم سندنویسی همان دوره تنظیم شده‌اند (روستایی، ۱۳۹۷/۱۲/۱۶).

ایقاع: عملی است قضایی و یک‌طرفی که به مصرف قصد انشاء و رضای یک طرف منشاء اثر حقوقی شود، بدون اینکه تأثیر یک‌طرفی قصد و رضای مذکور ضرری به غیر داشته باشد (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰).

طلاق:

- طلاق جزو ایقاعات است. ایقاع در لغت به‌معنای افکندن، درافکندن است. در اصطلاح نظر فقه و علم حقوق، عمل قضایی یک‌طرفه‌ای است که دارای دو شرط ذیل است: الف- عمل یک‌طرفه باشد؛ ب- قابل‌فسخ و رد نباشد (لغت‌نامه دهخدا).
- طلاق نیز از ریشه عربی و به‌معنی «گشودن گره» و «رها کردن» است و در فقه اسلامی «زائل کردن قید ازدواج با لفظ مخصوص» است (صفایی و امامی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۴).
- در لغت برای واژه طلاق معانی متعددی ذکر شده است که از جمله رهایی، آزاد کردن، ترک کردن، واگذاشتن، مفارقت و جدایی است (آذرنوش، ۱۳۸۵، ص ۴۰۲).



ارکان اصلی طلاق

طلاق دارای چهار نوع رکن می‌باشد که عبارتند از: طلاق‌دهنده، طلاق‌گیرنده، صیغه طلاق و شاهدین. طلاق‌دهنده یا به عبارتی مطلق که همان زوج است، باید چهار شرط را دارا باشد و آن‌ها عبارتند از: بالغ‌بودن، عقل، اختیار و قصد (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۸۶). در مطلقه یا زن طلاق‌داده‌شده نیز پنج شرط وجود دارد که عبارتند از: زن او باشد، عقد دائمی باشد، پاک باشد، مستبرئه (بدون نطفه) باشد، معین باشد (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۸۶).

بررسی محتوایی طلاق‌نامه‌ها

هر سند به‌طور عمده از دو قسمت تشکیل می‌شود: رویه سند و ظهریه سند. سند همچنین به دو جزء عمده قابل‌تقسیم است: متن و اضافات. در ادامه به بررسی هریک از این قسمت‌ها پرداخته می‌شود.

متن اصلی: قسمت اصلی رویه سند است. متن اصلی خود شامل قسمت‌هایی است که عبارتند از: شروع متن، مشخصات کامل زوج، نام مطلقه، اظهار صیغه طلاق و شرایط ضمن عقد طلاق و تاریخ تحریر (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۸۷).

غرض از تحریر/شروع متن: در طلاق‌نامه‌ها، آغاز متن یا شروع متن از اولین کلمه سطر اول شروع می‌شود. عباراتی که در این قسمت می‌آید عبارات مختلفی است شامل این عبارت است: «حقیر در محضر شریف جمعی از آقایان علی حسب الوکاله الشریعه». در این شروع متن، محرر یا تنظیم‌کننده سند که باید یکی از علمای معتبر باشد، یک آگاهی به خواننده می‌دهد که اگر با تنظیم اسناد شرعی آگاهی نداشته باشد می‌تواند آن را دریابد و آن حضور شاهدان است. ما در بحث سجالات و مهر، به شاهدان خواهیم پرداخت ولی با خواندن اولین سطر از این سند می‌توانیم این نکته را دریابیم که سند از آن نوع اسنادی است که به شاهد احتیاج دارد. دیگر عبارات به‌کاررفته در قسمت شروع متن عبارتند از: «رشته مناکحت و علاقه مواصلتی که واقع بود»، «حاضر شد»، «مطلقه نمود»، «حسب‌التوکیل»، «واقع شد»، و «غرض از تحریر» اشاره کرد. از جمله شروع متن‌های طلاق‌نامه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «حسب الوکاله الشریعه» (دزعی^۱، شماره سند: ۱۶۵A1252) و «غرض از تحریر و باعث بر تسطیر این کلمات شرعی» (دزعی، شماره سند: ۱۹۳A۱۲۵۲).



القاب زوج و مطلقه: لقب نام اسمی است غیر از نام اصلی که بر شخص می‌نهادند و حاوی مدح و یا ذمی بود (فرشیدورد و زیرک، ۱۳۸۰، ص ۸۸). در فارسی این واژه برابر است با برنام، پاژنام و فرنام. دادن القاب به اشخاص، پیشینه‌ای قدیمی دارد و در دوره اسلامی سابقه آن از زمان پیغمبر آغاز می‌شود که به بعضی از یاران خود لقب‌هایی می‌بخشید (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۱۵۹). احمد اشرف نیز درباره القاب و عناوین این‌گونه می‌نویسد: «این عناوین چند نوع‌اند: اول، عناوین تمیزدهنده اصل و نسب مانند عناوین سید، میر و شریف پیش از نام سادات و عنوان میرزا پس از نام شاهزادگان در عهد صفوی و قاجار که هر دو از خطاب‌های موروثی هستند. دوم، عناوین عمومی مراتب اجتماعی در قرون اجتماعی در قرون اخیر: عنوان خان در دنباله نام اهل شمشیر، عنوان میرزا پیش از نام اهل قلم و عناوین شیخ، آخوند و ملا ابتدای نام اهل قلم و عناوین عمومی حاکی از احترام، مثل آقا، خانم، سوم عناوین زیرین اماکن مقدسه، مانند حاجی برای زیرین کعبه» (اشرف، ۱۳۶۸، ص ۲۹۰).

شناخت این القاب و تجزیه و تحلیل آن بسیار مهم است. شناخت این القاب از دو جهت حائز اهمیت است: ۱- شناخت تنوع القاب به کاررفته در این اسناد و ۲- شناخت جایگاه و موقعیت اجتماعی زوج و مطلقه که خود بیان‌کننده نوع شغل و سواد است. البته باید به این نکته اشاره کرد که القاب به کاررفته در طلاق‌نامه‌ها نسبت به دیگر اسناد شرعی مثلاً عقدنامه‌ها بسیار کم‌تر است و حداقل از یک لقب برای مطلقه و حداقل یک یا دو لقب برای زوج استفاده می‌شد. هر چند این توضیح نگارنده قطعیت ندارد و در بعضی اسناد طلاق، شاهد القاب به کاررفته فراوان هستیم. برای مثال، در یکی از این اسناد از پنج لقب، «جناب جلالت‌مآب شوکت‌مدار اجل عالی ...» استفاده شده است (دزغق، شماره سند ۱۹۳۸۱۲۵۲).

از جمله مهم‌ترین القاب به کاررفته برای مردان شامل: ولد و خلف، عمده الاعیان، جلالت‌مآب، شوکت‌مدار، اجل، عالی، مستطاب، اکرم، عالی‌شان، عالی‌قدر، حمیده خصلت، قدس، خصایل، و عزت آثار است. مهم‌ترین القاب به کاررفته برای زنان شامل: مسماة، مخدره، مسطوره، مسمره، علیا جاه، خدارت‌پناه، معظمه، محترمه، موقره، خدارت‌دستگاه، و عفت‌پناه است. القابی نظیر نواب مستطاب یا مقر بالحضرة نشان از وابستگی این افراد به طبقات بالای جامعه است. صفات بانوان به‌ویژه نشانگر موقعیت اجتماعی و مادی و معنوی آن‌ها است و ذکر آن‌ها در سند نوعی رسمیت‌بخشیدن به آن صفت است (پناهی و پاسبان‌حضرتی، ۱۳۹۷، ص ۴۶). پس از نام هر یک از زوج و مطلقه، نام پدران این اشخاص ذکر می‌شد. شناخت کلمات به کاررفته در مورد پدران این افراد باعث می‌شد تا به زنده یا مرده بودن آن‌ها، موقعیت اجتماعی اعم از شغل و غیره پی ببریم. مثلاً اگر پدر در قید حیات بود، از کلمه ولد و اگر در قید حیات نبود از کلمه خلف مرحوم استفاده می‌شد.



معرفی زوج و مطلقه: بعد از آنکه ذکر القاب برای زوج و مطلقه به پایان رسید، نوبت به آوردن اسامی آنها است. گفتنی است که در اکثر طلاق‌نامه‌های این دوره، نام زوج و مطلقه همراه با پدرانشان آورده می‌شود. ثبت نام پدر در طلاق‌نامه‌ها باعث می‌شد تا شجره‌نامه افراد از طریق پدرانشان مشخص شود. همچنین در بعضی از طلاق‌نامه‌ها شغل پدران زوج و مطلقه نیز ذکر می‌شد؛ از این طریق می‌توانیم هم به طبقه و جایگاه اجتماعی زوج پی ببریم و هم به انواع مشاغل موجود در آن دوران آگاهی می‌یابیم. باید به این نکته توجه داشت که شیوه تحریر و تنظیم طلاق‌نامه‌ها از شیوه یکسانی به‌طورمطلق برخوردار نبود؛ برای مثال ممکن بود در یک طلاق‌نامه بعد از شروع متن، القاب زوج و مطلقه و بعد از آن نیز نام خود این افراد می‌آمد، گاهی نیز ممکن بود بعد از آوردن القاب و نام زوج، صیغه طلاق و یا نوع طلاق ذکر شود و سپس نام مطلقه آورده شود. پس باید توجه داشت که طلاق‌نامه‌ها بر خلاف اسناد دیگر شرعی خصوصاً عقدنامه‌ها که شیوه تحریر به‌نسبت یکسانی دارند، از چارچوب مشخص مطلق پیروی نمی‌کنند؛ هرچند این سخن به این معنی نیست که نمی‌توان یک قالب مشخص به این اسناد داد. کاری که امید رضایی در کتاب «درآمدی بر اسناد شرعی» کرد، در پیرو مشخص کردن چارچوب و قالب اسناد شرعی بود که خواننده را در مواجهه با این اسناد سردرگم نکند.

اظهار صیغه طلاق و نوع آن: از جمله ارکان اصلی در طلاق‌نامه‌هاست که نبودن آن در سند باعث بی‌اعتباری آن می‌شود. اظهار صیغه طلاق با عباراتی نظیر: «صیغه طلاق جاری شد»، «مطلقه شد»، «مطلقه گردید»، «اسمعت»، «مطلقه نماید»، «مطلقه نمودن» و «لفظ طلاق جاری شد» نشان داده می‌شود. همچنین در این قسمت، دیگر توصیفاتی که مخصوص مطلقه بود نیز آورده می‌شد، نظیر: «دائمه» که به دائمی بودن عقد اشاره دارد، «معقوده» (به معنی بسته شده و محکم گردیده)، «مدخوله» و «غیرمدخوله». به دلیل آنکه بر اساس شرع اسلام طلاق در ایامی خاص صحیح نیست، لذا در طلاق‌نامه‌ها از بودن زن در «طهر غیر مواقعه شده» سخن رفته است (دزعی، شماره سند ۱۹۳۸۱۲۵۲). همان‌طور که اشاره شد، بودن شاهد و گواه در تنظیم این اسناد امری مهم است و تأکید می‌شد که طلاق در حضور شاهدان انجام گرفته است. نمونه جمالتی که در این رابطه به کار رفته‌اند عبارتند از: «در محضر عدلین»، «در حضور جمع از مؤمنین»، «عند من یصح الطلاق بسماعهم» و «در حضور جمعی از عدول و مؤمنین دارالخلافة طهران».

بر اساس ماده ۱۱۴۳ قانون مدنی طلاق بر دو نوع است: بائن و رجعی. در طلاق بائن برای شوهر حق رجوع نیست (ماده ۱۱۴۴ ق.م). در طلاق خلع، زن به‌واسطه کراهتی که از خود دارد، در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد طلاق بگیرد، اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل



آن و یا بیشتر و کم تر از مهر باشد (ماده ۱۱۴۶ ق.م). در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است (ماده ۱۱۴۷ ق.م). در اسناد بررسی شده طلاق، نوع طلاق معمولاً از نوع بائن و خلعی و رجعی بوده است. برای نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: «صحت طلاق خلعی من جملهها» (۶۵۸۱۴۱۴۵) و «به طلاق اولی رجعی» (۹۵۸۱۴۱۲۶).

شروط موجود در طلاق نامه‌ها: شرط به فتح اول و سکون دوم و سوم، واژه‌ای عربی است که جمع آن «شروط» و «اشراف» است (محمد معین، ۱۳۷۵، ص ۲۰۳۷). در اصطلاح شرعی، گاهی شرط به معنای مطلق عهد آمده است (فراستی و چاوشی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲). در بررسی انجام شده در طلاق نامه‌ها، شاهد وجود شرط در این اسناد هستیم. گاهی شروط موجود در این اسناد منحصر به یک شرط بود و گاهی نیز دو یا سه شرط به کار می‌رفت. شروط موجود در طلاق نامه‌ها شامل مواردی از قبیل موارد زیر است: تمایل زوج به رجوع، گرفتن ارثیه از شوهر، پرداخت کامل مهریه به زوجه، بخشش مهریه، پرداخت نصف مهریه به زوجه، اگر زوج تمایل به رجوع داشته باشد باید به‌ازای هر روز نیم قران سفید به زوجه بدهد.

اضافات سند: همان‌طور که در ابتدا اشاره کردیم، هر سند شامل دو بخش است: متن و اضافات. اضافات در واقع مطالبی است که خارج از متن قرار دارد و از نظر حقوقی و مطالبی که به‌دست می‌دهند، بسیار بااهمیت هستند.

تحمیدیه: تحمیدیه عنوانی است شامل حمد و سپاس خدا که معمولاً در صدر سند قرار می‌گرفت. در طلاق نامه‌ها با تحمیدیه‌های مختلفی روبه‌رو نیستیم؛ به‌عبارت‌دیگر، چون طلاق در دین اسلام جایگاه منفوری دارد، سعی می‌شد زیاد از نام خداوند در سند استفاده نشود. به‌همین دلیل، اکثر اسناد طلاق فاقد نام خداوند یا تحمیدیه هستند. اما در تعداد اسناد طلاقی که نگارنده مشاهده کرده است، از تحمیدیه «هو» و «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم» نیز در بعضی از این اسناد استفاده شده است.

تاریخ سند: یکی دیگر از اضافات سند در طلاق نامه‌ها، تاریخ تحریر سند است. در اسناد بررسی شده، تاریخ تحریر سند معمولاً با ذکر روز و ماه و سال است و نوع تاریخ به‌کاررفته در این اسناد، همه به هجری قمری است. ماه‌های قمری به‌کاررفته در این اسناد معمولاً با توصیفی همراه است که خاص ماه‌های قمری است. این ماه‌ها عبارتند از: محرم‌الحرام، صفرالمظفر، صفرالخير، ربیع‌المولود، ربیع‌الآخر، جمادی‌الثانی، رجب‌المرجب، شعبان‌المعظم،



رمضان المبارک، شوال المکرم، ذی القعدہ الحرام، ذی الحجہ الحرام.

مُهر: در گذشته به جای امضا از مُهر استفاده می‌شده است. هر مُهر یک سجع مخصوص داشت که فقط مختص همان شخص بود و زمانی که صاحب مُهر از دنیا می‌رفت، مُهر او را نیز می‌شکستند تا راه سوءاستفاده بسته شود (خلعتبری لیماکی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۷). شناخت مُهرها به‌عنوان یکی از ابزارهای به‌کاررفته در طلاق‌نامه‌ها می‌تواند اطلاعات گسترده‌ای در زمینه نسب‌شناسی، زیبایی‌شناسی و رجال‌شناسی در اختیار بگذارند. مهم‌ترین کاربرد مُهرها در طلاق‌نامه‌ها، تصدیق محتوای این اسناد یا به‌عبارتی به‌عنوان شاهد حضور داشته باشند، بود. نقش و سجع هر مُهری، گویای طبقه اجتماعی صاحبش بود. مُهر طبقات پایین جامعه معمولاً کوچک و معمولی و خالی از تزیین بود. اما مُهر علما، درباریان و تجار، درشت و حاوی ادعیه و آیات بود (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

سجلات: سجل به‌معنی آنچه برای تأیید مطلبی در پایین نامه یا نوشته‌ای می‌آورند و نیز به‌معنی تأییدکردن و تصدیق کردن هم است (انوری، ۱۳۸۱، ص ۴۰۵۱ و ۴۰۵۲). سجلات از نظر رجال‌شناسی بسیار اهمیت دارند. سجلات در اسناد شرعی به چهار دسته تقسیم می‌شوند: سجل اعترافی، وقوعی، شهودی، مطابقه‌ای.

– **سجل اعترافی:** این سجلات را که حاکی از عمل و قصد صاحب سند است را سجل اعترافی گویند (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۲۰).

– **سجل مطابقه‌ای:** هرگاه بخواهیم سواد سند را مطابق اصل کنیم، از این سجل استفاده می‌کنیم.

– **سجل شهودی:** به‌معنی آن است که عده‌ای به‌لحاظ سمعی و بصری از یک واقعه خبر دهند. کلماتی مانند: «شاهد»، «شهد بما فیه»، «الشهود فی الذلک»، در این نوع سجل استفاده می‌شود.

– **سجل وقوعی:** در این نوع سجل، عالم انشای سند، قصد و هدف واقعی شخص یا اشخاص را اعلام می‌کند (رضایی، ۱۳۹۰، ص ۱۸). کلماتی مانند: «اعترف»، «قد اقره واقف» یا «موقف» در این نوع سجل کاربرد دارد.



نمونه‌هایی از سجلات به‌کاررفته در طلاق‌نامه‌ها بدین قرار است: «وقع الطلاق لدی حرها» (دزَعق، شماره سند ۴۴ ۱۵۱۶۱A)، «اقا کربلایی حسن خلف مرحوم حاج تقی» (دزَعق، شماره سند ۱۵۱۶۱ ۹۱A)، «قد اوقعت صیغه الطلاق الرجعی توکیلاً غره الزوج فی التاریخ المتن و انا العاصی» (دزَعق، شماره سند ۱۷۴A۱۲۵۲).

در میان این نوع سجلات، سجل شهودی و وقوعی بیشترین کاربرد را در طلاق‌نامه‌ها دارند. نقشی که شاهدان در طلاق‌نامه‌ها دارند، بسیار بااهمیت است. بررسی سجلات این شاهدان، از نظر رجال‌شناسی، شناخت دستخط، پیشه و شغل افراد و مهر افراد، اطلاعات بسیاری در اختیار ما قرار می‌دهند.

ظهریه: به‌معنی پشت‌نویسی است. پس از آنکه فرمان و یا سندی از همه جهات، متن و اضافات، کامل می‌شد، در دفاتر ثبت می‌شد؛ به این معنی که از آن‌ها رونوشت برمی‌داشتند تا سابقه آن در دفاتر باشد (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۲۳۹-۲۴۰). در این بین، بر پشت این اسناد عباراتی چون «ملاحظه شد»، «قلمی شد» را ثبت می‌کردند که نشانه‌ای بر ظهریه‌نویسی سند بود.

بررسی شکلی طلاق‌نامه‌ها

علاوه بر بررسی عناصر محتوایی طلاق‌نامه‌ها، شکل ظاهری و صورتی این اسناد نیز باید مورد توجه قرار بگیرد. هرچند که عناصر موجود در شکل ظاهری این اسناد، در رابطه با دیگر اسناد شرعی مثلاً سند ازدواج، بسیار ناچیز است و دلیل آن همان‌طور که قبلاً اشاره شد، منفوربودن طلاق در اسلام است و این خود باعث می‌شد که تنظیم‌کننده سند تحت تأثیر این گزاره قرار گیرد.

خط: شاید مهم‌ترین جلوه ظاهری طلاق‌نامه‌ها، خط به‌کاررفته در این اسناد است. با بررسی خطوط به‌کاررفته در این اسناد، دو خط نستعلیق و شکسته نستعلیق بیشترین کاربرد را در این اسناد داشته است. همچنین با بررسی این جنبه می‌توان به جایگاه طبقاتی زوج و مطلقه پی برد. به عبارت دیگر، می‌توان با نگاه کردن به شیوه تنظیم سند از نظر بصری و به‌ویژه با نگاه کردن به شیوه ترسیم خط، به جایگاه طبقاتی افراد پی برد. تعداد سطرهای موجود در این اسناد از شیوه یکسانی پیروی نمی‌کنند؛ بعضی از این اسناد در چهار سطر (۶۲A۱۴۱۲۶) و بعضی دیگر در نه سطر تنظیم شده‌اند (۴۴A۱۵۱۶۱). شروع آغاز سطر در اکثر موارد از میانه برگه است، به طوری که هر چقدر به انتهای سند نزدیک می‌شویم، خط متمایل به سمت چپ برگ می‌شود.



همچنین در فاصله بین سطرها، معمولاً بدین‌گونه عمل می‌شد که بین سطرهای اول و دوم یک فاصله زیادی وجود داشت و در سطرهای بعدی فاصله بسیار کم و اندک بود. این‌گونه شیوه تنظیم سند باعث می‌شد که قسمت بالا و سمت راست سند سفید یا به اصطلاح بیاض باشد که در واقع جایی بود که سجلات و مهر افراد زده می‌شد.

خط سیاق: یکی از جلوه‌های فرهنگ و تمدن اسلامی، بی‌شک خط سیاق است. این خط به‌طور معمول بخش اعظمی از مکتوبات تاریخی و ادبی و کتابچه‌های مالی و نسخه‌های خطی را به خود اختصاص می‌دهد. سیاق روشی است از ثبت محاسبات دیوانی و تجاری که قرون متمادی در ایران متداول بود و تا اواخر قاجار، یگانه وسیله متعارف کار بازرگانان و منشیان و مترسلان و مستوفیان بود که می‌خواستند ارقامی را ثبت و ضبط کنند (فروغی‌اصفهانی، ۱۳۷۸، ص ۱۴). این خط در طلاق‌نامه‌ها، بیشتر برای نشان‌دادن مهریه مطلقه بود که یا آن را می‌بخشید و یا زوج مکلف به پرداخت آن بود. شیوه استفاده از این خط به این صورت بود که اگر مهریه مال بود و نه جنس، آن را به عدد یا حروف می‌نوشتند و در بالای این اعداد یا حروف، آن مبلغ را به شیوه سیاق ثبت می‌کردند. نمونه آن را در سند (۱۹۳۸۱۲۵۲) می‌بینیم. در آخر گفتنی است که طلاق‌نامه‌ها فاقد هر نوع تذهیب و آرایه‌های هنری بوده و عملاً هیچ عناصر هنری در آن‌ها به‌کار نرفته است.

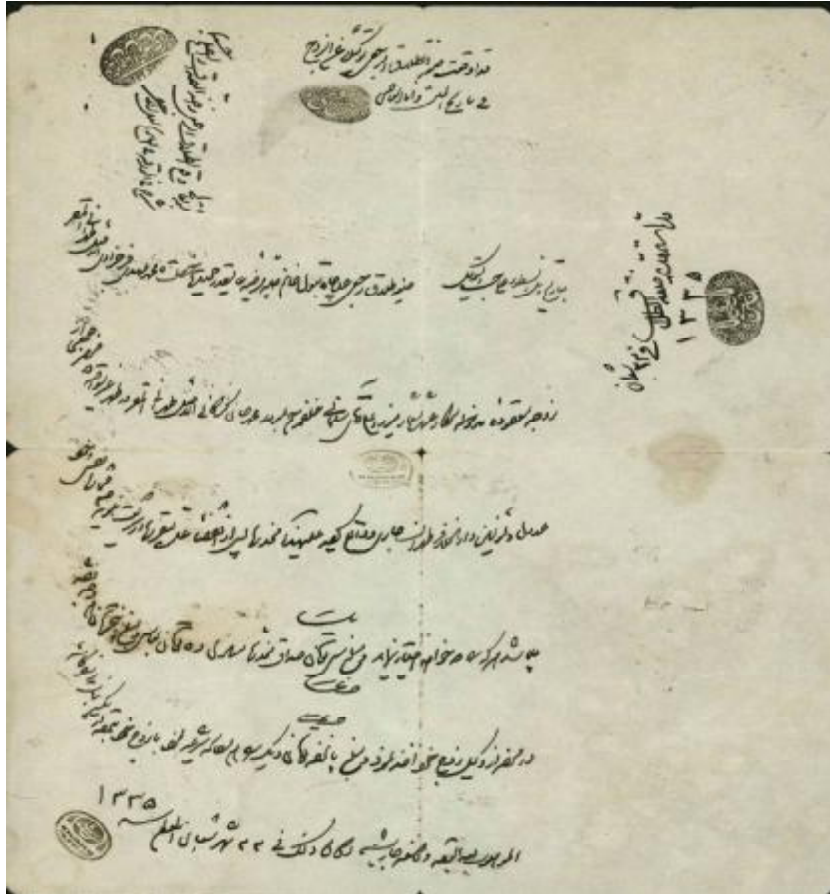
نتیجه‌گیری:

طلاق‌نامه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی، نقش مهمی در بازسازی تاریخ مردم دارند. این اسناد به‌دلیل ماهیت شرعی که برآمده از فقه اسلامی است، در زمره اسناد شرعی قرار می‌گیرند. طلاق‌نامه‌ها اطلاعات فراوانی را درباره رجال‌شناسی، مشاغل، القاب، جغرافیای تاریخی، مسکوکات و مسائل سندشناسی، قباله‌نویسی و مهرشناسی به ما می‌دهند. در واقع اسناد به‌طورعام و این اسناد و اسناد دیگر به‌طورخاص، به‌عنوان آیینی تمام‌عیار تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ما هستند. طلاق‌نامه‌ها به‌طورعمده از دو جنبه قابل‌بررسی هستند: بررسی محتوایی و بررسی ظاهری. جنبه محتوایی این اسناد بسیار مهم‌تر از شکل ظاهری طلاق‌نامه‌ها است. بخش محتوایی طلاق‌نامه‌ها از ارکان مهمی تشکیل یافته که شامل: شروع متن، مشخصات کامل زوج، نام مطلقه، اظهار صیغه طلاق و شرایط ضمن عقد طلاق و تاریخ تحریر است. بخش ظاهری یا شکلی این اسناد اما مثل بخش محتوایی پرارزش نیستند، اما به‌طورکامل هم بی‌فایده نیستند. در واقع شکل ظاهری این اسناد فاقد هرگونه تذهیب و آرایه‌های هنری است. شاید مهم‌ترین عنصر قابل‌توجه در این بخش، خط

۱. این سند در فهرست گنجینه اسناد میرزا محمد کاظمینی، یزد نیامده است اما در تصاویر رقمی مجمع ذخائر اسلامی از آن اسناد قبل از فهرست‌برداری تصویربرداری شده و به شماره sanad00702 و sanad00703 وجود دارد.
۲. رجوع کنید به: گنجینه اسناد میرزا محمد کاظمینی، تصاویر رقمی مجمع ذخائر اسلامی، شماره sanad00702 و sanad00703.

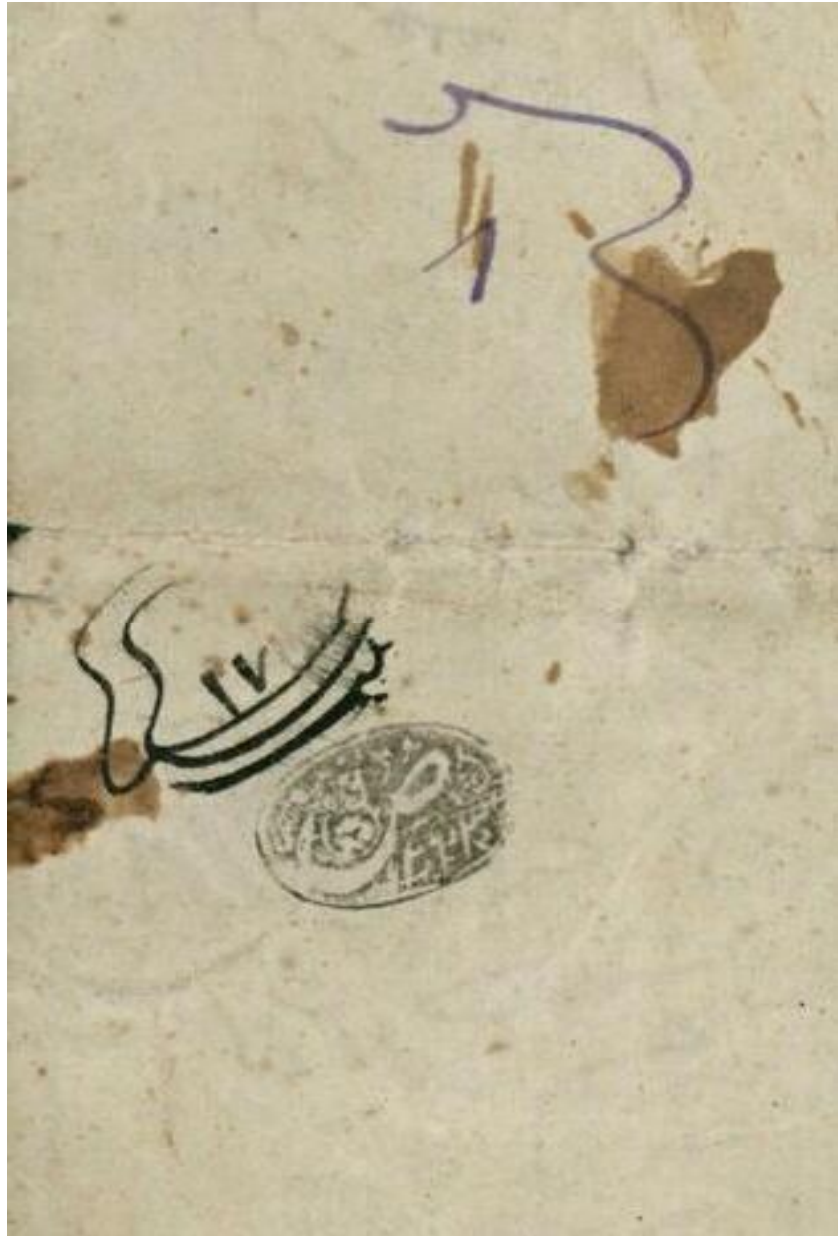


و شیوه تحریر آن در این اسناد باشد که همان طور که اشاره شد، تحت تأثیر جایگاه طبقاتی افراد تحریر می‌شد.



نمونه از سند طلاق در دوره قاجار (۱۷۴۸-۱۲۵۲)





نمونه‌ای از ظهریه سند (ثبت دفتر شد) (۱۶۵۸۱۲۵۲)

منابع:

- اشرف، احمد (۱۳۶۹). «لقب و عنوان» در زمینه ایران‌شناسی، به‌کوشش چنگیز پهلوان، تهران: به‌نگار.
- امیرشاهی، منوچهر (۱۳۸۶). مبانی مدیریت اسناد. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن، ج ۵.
- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۵). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
- بی‌نام (۱۳۴۸). یک صد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی. تهران: ارثش.
- پناهی، عباس؛ پاسبان‌حضرتی، فتانه (۱۳۹۷). تجزیه و تحلیل محتوای نکاح‌نامه منطقه بیمرغ گناباد در عصر قاجار، فصلنامه گنجینه اسناد، سال ۲۸، دفتر دوم، صص ۳۴-۵۷.
- جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- خلعتبری لیمایی، مصطفی (۱۳۸۳). ارزش‌های نهفته در قباله‌های ازدواج، فرهنگ مردم ایران، ش ۲، صص ۱۱۳-۱۲۲.
- رضایی، امید (۱۳۹۰). درآمدی بر اسناد شرعی دوران قاجار. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- روستایی، محسن (۱۳۸۹). تعابیری از سند و سندشناسی و نقش آن در پژوهش و توصیف اسناد تاریخی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۴۶، صص ۴۲-۴۹.
- روستایی، محسن (۱۳۹۷/۱۲/۱۶). کارگاه سندشناسی و سندپژوهی.
- صفائی، حسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۸۴). مختصر حقوق خانواده. تهران: نشر میزان، چاپ هشتم.
- فراستی، زهرا؛ چاوشی، مریم (۱۳۸۷). شروط مندرج در سند ازدواج (بررسی و تحلیل)، فصلنامه بانوان شیعه، پاییز، ش ۱۷، صص ۱۰۹-۱۴۰.
- فرشیدرو، میرخسرو (۱۳۸۰). لقب و لقب‌گذاری در ایران، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۴، ش ۴ و ۵، صص ۸۷-۹۹.
- فروغی‌اصفهانی، محمد مهدی (۱۳۷۸). فروغستان. تهران: میراث مکتوب.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: نشر میزان.
- معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ معین. تهران: انتشارات سمت، ج ۲.
- هیئت مؤلفان تاریخ (تاریخ‌شناسی) (۱۳۷۳). دوره پیش‌دانشگاهی، رشته علوم انسانی،



وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف
کتب درسی، تهران: شرکت چاپ و نشر ایران.

